

باب چهل و چهارم

در نهی از استغفار نزد عباد¹

در کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"لیس لأحد ان یستغفر عند احد توبوا الی الله تلقاء انفسکم انه لهو الغافر المعطى العزیز التّواب." (بند ۳۴)

و در لوح رستم میفرمایند قوله تعالی:

"جز حضرت رحمن بر آمرزش گمراهان و گناهکاران قادر نبوده و نیست. کسی که هستی نیافته چگونه هستی بخشد و صاحب خطا چگونه از خطا گذرد." (مجموعه بزرگ طبع مصر صفحه ۲۵۸)

و در کتاب اقدس میفرمایند قوله تعالی:

"من ابتلی بمعصیة فله ان یتوب و یرجع الی الله انه یغفر لمن یشاء و لا یسئل عما شاء انه لهو التّواب العزیز الحمید." (بند ۴۹)

و در لوح بشارات میفرمایند:

"بشارت نهم باید عاصی در حالتیکه از غیرالله خود را فارغ و آزاد مشاهده نماید طلب مغفرت و آمرزش کند. نزد عباد اظهار خطایا و معاصی جائز نه چه که سبب و علت آمرزش و عفو الهی نبوده و نیست و همچنین این اقرار نزد خلق سبب حقارت و ذلت است و حقّ جلّ جلاله ذلت عباد خود را دوست ندارد انه هو المشفق الکریم. عاصی باید مابین خود و خدا از بحر رحمت رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت مسئلت کند و عرض نماید

الهی الهی اسئلك بدماء عاشقیک الذین اجتذبهم بیانک الأحلی بحیث قصدوا الذروة العلیا مقرّ الشّهادة الکبری و بالأسرار المکنونة فی علمک و باللئالی المخزونة فی بحر عطائک ان تغفر لی و لأبی و امی انک انت ارحم الرّاحمین لا اله الا انت الغفور الکریم. ای ربّ تری جوهر الخطاء اقبل الی بحر عطائک و الضعیف ملکوت

¹ نهی از عادت و رویه مسیحیانست که در نزد روحانیین خود اقرار بمعاصی خویش کرده و از آنان آمرزش گناهان مسئلت کنند.

اقتدارک و الفقیر شمس غنائک ای ربّ لا تخیبه بحدوک و کرمک و لا تمنعه عن فیوضات ایامک و لا تطرده عن بابک الّذی فتحته علی من فی ارضک و سمائک. آه آه خطیئاتی منعتنی عن التّقرب الی بساط قدسک و جریراتی ابعدتنی عن التّوجه الی خباء مجدک قد عملت ما نهیتنی عنه و ترکت ما امرتنی به اسئلك بسلطان الأسماء ان تکتب لی من قلم الفضل و العطاء ما یقرّبنی الیک و یطهّرنی عن جریراتی الّتی حالت بینی و بین عفوک و غفرانک. انک انت المقتدر الفیاض لا اله الا انت العزیز الفضّال.